

گفتمان‌های قوم‌گرایی در نشریات دانشجویی^۱

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۳، شماره یک: ۱۹۳-۲۱۳

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

محمد فرهادی^۲

استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه رازی

دریافت ۹۵/۲/۱۲

پذیرش ۹۵/۷/۱۸

چکیده

مسأله اصلی این مقاله استخراج گفتمان‌های قوم‌گرایی نزد دانشجویان دانشگاه‌های ایران است. بر این اساس استدلال می‌کند قوم‌گرایی منازعه‌ای معنایی است و فهم آن موکول به بررسی و تحلیل گفتمانی این مسأله خواهد بود. بر این قیاس روش نوشته حاضر تحلیل گفتمان فوکویی به روایت لاکلائو و موفه است. از آنجا که دانشگاه عرصه بازنمایی پدیدارهای اجتماعی است، متن مورد مطالعه از مطالب نشریات دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور انتخاب شده است. وجه غالب تحلیل در این مکتوب اکتشافی است لذا نتایج تحقیق حاوی توصیف گفتمان‌های قوم‌گرایی و گزاره‌های مفصل‌بندی‌شده در آن‌ها است. این نوشته ادعا می‌کند قوم‌گرایی پیرو مناسبات سیاست جدید، رقابت بر سر معنا و تعریف هویت است و همچنان‌که ویژگی‌های هر گفتمان را به‌دست می‌دهد، نشانه‌های مورد استفاده در هر زمینه برای توجیه قوم‌گرایی را نیز معرفی می‌کند.

واژگان کلیدی: قوم‌گرایی، گفتمان، سیاست فرهنگی، دانشجویان، ترک، کُرد.

۱ این مقاله حاصل تحقیقی به سفارش معاونت اجتماعی وزارت علوم، نظارت دکتر حسن بشیر و مدیریت احسان هوشمند است.

۲ پست الکترونیکی نویسنده رابط: m.farhadei@gmail.com

مسأله

قومیت، قوم‌گرایی و مقولات همبسته با آن تحت تأثیر تحولات فکری و سیاسی معاصر به یک مسأله بدل شده و همچون سایر مفاهیم و مسائل اجتماعی ابعاد مختلف و متنوعی بخود گرفته است. می‌توان ادعا کرد کشوری در جهان وجود ندارد که با یکی از وجوه مسائل قومی مواجه نباشد. از همین حکم می‌توان دریافت که قومیت پدیده‌ای متأخر و متناظر با توسعه مدرنیته در ابعاد سیاسی- فرهنگی و همزمان با تشکیل دولت-ملت‌هاست.^۱

بر همین قیاس ایران نیز به فراخور موقعیت سیاسی و جغرافیای فرهنگی، همزمان با ورود تظاهرات مدرنیته خود را با مسأله تازه‌ای به نام قومیت مواجه دید. بخشی از نیروهای سیاسی حول شکاف قومیت تجمع یافته و از این رهگذر وارد بازی سیاست شدند. اولین نشانه‌های سیاسی شدن قومیت‌ها یا قوم‌گرایی در ایران از سوی گروه‌های مخالف وضع موجود و در قالب فعالیت اجتماعات چپ و مارکسیست هویدا شد. در جریان اشغال ایران در دهه بیست و با دستور سیزده ماده‌ای استالین اولین احزاب قوم‌گرا در آذربایجان، مهاباد و شمال کشور تشکیل شد. بعد از انقلاب و جنگ تحمیلی تحركات قومیتی فرصت بروز بیشتری یافت.

پس از جنگ و تحولات سیاسی داخلی، فعالیت‌های قومی وجه گفتمانی به خود گرفت و موجی از نوشته‌ها و نشریات با مضامین مربوط به مباحث قومی پدیدار شد. دانشگاه‌ها مرکز تولید ایده‌هایی از این دست و نشریات دانشجویی محمل انتشار آن‌ها بود. مباحث قومی در نشریات دانشجویی از منظر رشته‌های مختلف دانشگاهی بازخوانی شده و مورد بازاندیشی قرار گرفت. این مطالب از گفتمان‌های مختلف نشأت می‌گرفت که به تولید و تکثیر رویکردهای مواجهه قومیت‌ها با وضع موجود و جستجوی وضع مطلوب می‌پرداختند.

تلقی گفتمانی از قومیت نیازمند تعریف و تبیین عناصر صورت‌بندی گفتمانی است که ترتیب و توالی عناصر را به منظور توجیه جذب یا طرد یک نشانه در یک منظومه گفتمانی ضروری می‌نماید. به علاوه، گفتمان همواره با عمل درهم تنیده است. بر این قیاس گفتمان در خدمت معنادادن به جهان زیست انسان‌هاست و «دیگری» او و عناصر مقوم هویت جمعی فرد را فراهم می‌کند.

۱ گروهی از اندیشمندان قومیت را پدیده‌ای ازلی می‌انگارند. در گام بعد تکلیف این نوشته با آن رویکرد را روشن می‌کنیم. در این فقره ادعا این است قومیت در تلقی معاصر با عواقب ذهنی و عینی آن متأثر از روندهای مدرنیته از جمله تشکیل دولت-ملت و «کشور»‌هاست.

دانشگاه در ایران بستری برای مواجهه هویت‌های قومی و مباحثه بر سر آن است. هم‌نشینی اقوام مختلف در کنار معانی جاری در فرهنگ عامه مسلط و رسمی از اقوام، زوایای تیز هویت‌ها به چشم می‌آورد و با توجه به فضای انتقادی دانشجویی، دانشگاه زمینه‌ای مناسب برای احراز و ابراز مواضع و مطالبات قومی فراهم می‌آورد.

بر این اساس مسأله اصلی مکتوب حاضر تحلیل گفتمانی مطالب قوم‌گرایانه نشریات دانشجویی است. با این وصف تفکیک گفتمان‌های متبوع نشریات دانشجویی و عناصر و نشانه‌های گفتمانی و همچنین تبیین دال مرکزی مقوم هر گفتمان در دو قوم تُرک و کُرد از اولویت‌های این نوشته است. در این راستا گفتمان متبوع هر قوم استخراج می‌شود و نشانه‌های مفصل‌بندی‌شده برای افاده مقصود معرفی می‌گردد.

بنیادهای نظری

در یک تلقی عام، دو رویکرد در مطالعات قومیت وجود دارد؛ ازلی‌انگاران^۱ و برساخت‌گرایان^۲ (Fenton, 2007: 73). نمی‌توان تنوعات مطالعات قومی را به این دو مفهوم فروکاست^۳ اما به مثابه محل تقریر مسأله، نقطه عزیمت مناسبی است. با کمی تسامح می‌توان گفت ازلی‌انگاران قومیت را نوعی ذات و جوهر در نظر می‌گیرند که از تحولات تاریخی و فکری مصون مانده و از آن خلل نمی‌پذیرد. برساخت‌گرایان در مقابل قومیت را مفهومی در نسبت با مناسبات فرهنگی، تاریخی و سیاسی ارزیابی می‌کنند.

از منظر جامعه‌شناسی، قومیت پدیده‌ای تاریخی و پویانده است و در رابطه با «دیگری» یا در خدمت هدفی عام، مرزها و تعاریف آن تغییر می‌یابد. اساساً تلقی ذات‌گرایانه با رویکرد جامعه‌شناسی قرابتی ندارد زیرا قادر به دیدن تغییرات یک پدیده در نسبت با زمان و مکان نیست. اولین تعریف از گروه قومی در جامعه‌شناسی کلاسیک از وبر صادر شده است.

«گروه‌های انسانی که به واسطه شباهت‌های فیزیکی یا رسوم زندگی یا هر دو، خاطرات سکونت در یک مکان یا مهاجرت، خودشان را به نیا و نسب مشترک منتسب می‌کنند. در این

1 Primordialists

2 Constructionists

۳ گروهی هم از اساس وجود قومیت‌ها را نفی می‌کنند؛ ناسیونالیست‌ها و مارکسیست‌ها که البته هر کدام نحله‌های مختلف را در بر می‌گیرند از این جمله‌اند.

مورد ارتباط خونی میان این افراد اهمیتی ندارد ... قوم یک گروه با کنش اجتماعی عینی نیست. در واقع عضویت قومی برساننده یک گروه نیست بلکه تنها شکل‌گیری هر نوع گروهی را مخصوصاً در عرصه سیاسی تسهیل می‌کند» (weber, 1978, 389).

و بر در ادامه باورهای مشترک را مصنوع^۱ و برساخته و فارغ از روابط خونی و خویشاوندی می‌داند (Ibid). تأکید وی بر اهمیت گروه قومی برای شکل‌گیری گروه‌های سیاسی، اهمیت قومیت در سیاست معاصر را دوچندان می‌کند. بر همین مبناست که قومیت به مثابه «سیاست هویت» به تجدید مطلع مباحث قومی منجر شده است (ن. ک: Fenton, 2007; Jenkins, 2008; Roudolph, 2006).

نگاه جامعه‌شناختی همواره قومیت را مفهومی برساخته و پویا ارزیابی کرده است. از نظر «بارت» قومیت سازمان اجتماعی تفاوت فرهنگی است اما تعلق به یک فرهنگ برای تعریف یک گروه قومی کافی نیست بلکه این تعامل با گروه‌های اجتماعی است که تفاوت و شباهت گروه‌ها را آشکار و به لحاظ اجتماعی معنادار می‌سازد (Jenkins, 2007). در واقع مرزهای فرهنگی، سرحد قومیت نیست بلکه این تعامل با سایر فرهنگ‌هاست که یک گروه قومی و تعاریف «ما» و «آنها» را شکل می‌دهد.

قومیت بر این اساس درون یک منظومه فکری و فرهنگی جای می‌گیرد که مرزهای آن نه مکانی و زمانی بلکه زبانی و فرهنگی است. این تلقی تحت تأثیر «چرخش زبانی» که از ویتگنشتاین (۱۳۸۰) و هایدگر (1982) آغاز شده، علم اجتماع معاصر را وارد دوره جدیدی کرده است. در اهمیت چرخش زبانی برای علم انسان همین بس که مفهوم «گفتمان»^۲ یکی از پیامدهای درازدامن آن است. گفتمان در جامعه‌شناسی که از ریشه‌های فلسفی بار می‌گیرد با مباحث فوکو (2002) در دوره اول فکری‌اش یعنی دیرینه‌شناسی موضوعیت و مرجعیت بسیار پیدا کرده است. گفتمان به واسطه زبانی مفهومی هم به عنوان روش و هم نظریه مورد بحث و بهره قرار گرفته است. واقع این است استفاده از گفتمان در مقام نظریه بهره‌گیری از آن به مثابه روش را ناگزیر می‌کند، زیرا منظره‌ای که نظریه گفتمان به دست می‌دهد جز با روش گفتمان قابل کنکاش نیست.

1 artificial
2 discourse

فوکو گفتمان را مجموعه گزاره‌ها معرفی می‌کند که نقش و کارکردی به عهده دارند و از گزاره‌های ساده متمایز هستند (Ibid, 90-98). این گزاره‌ها جهان را معنا می‌دهند و ابژه‌های خود را به سطح آگاهی فرا می‌خوانند. ما تنها از طریق گفتمان‌هاست که چیزی می‌فهمیم. این ادعا توسط متأخرانی نظیر لاکلائو و موفه (2001) با مبانی مارکسیسم و مشخصاً مفهوم هژمونی گرامشی درهم آمیخت و نقطه تمرکز ستیزه سیاسی را از مبارزات طبقاتی به منازعه^۱ بر سر معنا جابجا کرد. از این مقطع، مبارزه بر سر تعریف خود و دیگری و مرزهای متعلق آن‌هاست که قدرت، امتیاز و برتری را تعیین می‌کند.

• ایران و اقوام آن

سرزمین ایران به واسطه موقعیت جغرافیایی به عنوان مسیر ارتباطی غرب و شرق محمل عبور و مرور و استقرار و کوچ اقوام و قبایل متنوع بوده است. این تلقی از ایران ناظر بر قلمروی فرهنگی است که از مرزهای متغیر سیاسی در طول تاریخ فراتر می‌رود. گاه قلمرو حکومت‌ها بر اساس اقوام و موقعیت آن‌ها تعیین می‌شده و گاهی حرکت و استقرار قبایل تابع وضعیت سیاسی بوده است (ن.ک راوندی، ۱۳۵۷).

بر این اساس از ایران همواره به عنوان جامعه‌ای با تنوعات و شکاف‌های اجتماعی متعدد و بدین لحاظ دارای «ساختار موزاییک‌گونه» یاد شده است. تنوع آب و هوایی، پراکندگی جغرافیای و فروبستگی اقلیمی (آبراهامیان، ۱۳۷۷؛ راوندی، ۱۳۵۷) تنوعات قومی و زبانی و فرهنگی ناشی از آن (راوندی، ۱۳۵۷؛ شیخاوندی، ۱۳۸۰) زندگی عشایری مبتنی بر ایل و طایفه‌ی بسته (آبراهامیان، ۱۳۷۷؛ احمدی، ۱۳۷۸؛ فوران، ۱۳۷۷) تنوعات مذهبی و دینی (رومینا، ۱۳۸۴؛ آبراهامیان، ۱۳۷۷؛ زیبا کلام، ۱۳۷۸) تفاوت‌های طبقاتی و اقتصادی (فوران، ۱۳۷۷) از عوامل تنوع و تکثر قومی و فرهنگی در ایران بوده‌اند.

با این وصف، مسأله قومیت‌ها همواره با مفاهیم متفاوت مورد توجه و تأکید بوده و اهل سیاست و متفکران را بخود مشغول کرده است. چلبی از منظر جامعه‌شناختی همبستگی ملی را تعبیر علمای علوم سیاسی برای مفاهیم جامعه‌شناختی همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی و وفاق اجتماعی می‌داند (۱۳۷۸). وی در تجزیه‌ی همبستگی ملی از کل به جزء مفاهیم نظام اجتماعی، نظم اجتماعی، انسجام اجتماعی، همبستگی اجتماعی و وفاق اجتماعی را از هم

1 antagonism

تفکیک می‌کند. از این منظر در هر جامعه‌ای، اجتماعات متعددی وجود دارد و جامعه بدون اجتماعات متصور نیست؛ خانواده و یک اجتماع از نوع طبیعی و مذهب یک اجتماع از نوع فکری - عقیدتی است. هر یک از این اجتماعات بیانگر یک «ما» هستند و اجتماع ملی یک «ما»ی بزرگ است که باید بتواند «ما»های کوچک را در خود جای دهد. از نظر چلبی همبستگی ملی، سطحی بالاتر از وفاق اجتماعی است که احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد مشترک افراد به اجتماع ملی یا آن «ما»ی بزرگی که به افراد هویت جمعی می‌دهد را در بر می‌گیرد (همان). انسجام اجتماعی که سطح بعدی است دارای دو بعد است:

(۱) همبستگی اجتماعی، که به بعد نرم‌افزاری و فرهنگی ناظر است.

(۲) انسجام نظام‌مند که به جنبه سخت‌افزاری و ارتباط متقابل اجزا و نهادهای سیستم اشاره دارد (همان).

از این منظر اقوام نیز نوعی از اجتماعات جامعه هستند و برای ایجاد تعامل و همزیستی انسجام‌بخش تحت لوای یک هویت واحد، از سویی نیازمند ابزار فرهنگی و نرم‌افزاری نیرومند و از طرفی ارتباط میان این واحدها از طریق ارتباط و درهم‌تنیدگی نهادی هستیم. در رویکرد سیستمی به این مسأله اهمیت بعد فرهنگی بیش از سایر مؤلفه‌هاست. این مؤلفه فرهنگی باید تمام تفاوت‌ها و تنوعات هویتی را پوشش دهد تا در ایجاد هم‌گرایی ملی موفق باشد.

تاجیک در بحث ملت، پیوند گفتمان‌های متکثر را مورد تأکید قرار می‌دهد و اشاره می‌کند هر جا خرده گفتمان‌ها در هم تنیده و همبسته می‌نمایند، همان‌جا بستر ملی است. از این منظر جغرافیای مشترک می‌تواند همان پدیده ملی باشد، چرا که از همه خرده گفتمان‌ها پدید آمده است. چنین گفتمانی نه با حذف دیگران که با پذیرش و حضور دیگران جان می‌گیرد و پایدار می‌ماند. «نظر من همان نظریه انتظام در پراکندگی، یعنی قاعده‌مندی در کثرت است» (۱۳۷۹).

معینی‌علمداری ملت را با رویکردی قومی - نمادین تعریف می‌کند و نقش عناصر نمادین و ذهنی نظیر اسطوره‌ها، مناسبات فرهنگی نظیر اشتراکات زبانی و سنت فرهنگی را برجسته می‌کند. هویت ملی خاطره مشترک بعد از خودآگاهی افراد یک ملت است (۱۳۸۳). از نظر وی ملت امری مصنوع و پدیده‌ای فرهنگی است که نظام خاطره و تاریخ، سرزمین و زبان، مهمترین عناصر آن برای ملت ایران است.

بشیریه هویت ملی را فرآورده دستگاه گفتمانی هویت‌بخش می‌داند. وی هویت خالص را غیرممکن و نوعی توهم ارزیابی می‌کند. از این منظر هویت ملی الزاماً با گفتمان حاکم و لذا با مناسبات ایدئولوژیک و قدرت در ارتباط است. به نظر او ایرانی‌ها پیش از ظهور گفتمان تجدد و ایدئولوژی‌های مدرن و دستگاه‌های دولتی هویت‌بخش، هویتی چندپارچه، چندپاره و متنوع داشته‌اند (بشیریه، ۱۳۸۳).

احمد اشرف، هویت ملی را امری تاریخی با دوران رشد، دگرگونی و گوناگونی توصیف می‌کند و جنبه‌ی ذهنی هویت ملی را تجربه‌ها و تصورات جمعی مردم می‌داند که خاطرات جمعی بر اساس آن ساخته می‌شود و در سالگردها و سالروزها زنده می‌ماند. از نظر او ابتدا تصور ملت پدید می‌آید بعد خود ملت شکل می‌گیرد (۱۳۸۳).

دلاوری از منظری دیگر معتقد است عامل واگرایی در شهرهای ایران را فرقه‌گرایی مذهبی، تعلقات صنفی، حرفه‌ای، مذهبی و محلی می‌داند که منجر به گروه‌بندی‌های متعددی می‌شد که با همدیگر پیوند افقی چندانی نداشتند و ارتباط آنها با نهاد حکومت غالباً عمودی و مجزا از یکدیگر بود. وی معتقد است یکسان‌سازی اجبارآمیز فرهنگی و سیاسی نمی‌تواند هویت‌های ادغام‌بخش و مشروعیت‌آفرین پایدار ایجاد کند و هویت‌های درون‌جوش و چندگانه در فضای بسته به سمت مقاومت علیه نظم موجود می‌روند و در فرصت مقتضی به جنبش‌های فراگیر سیاسی تبدیل می‌شوند (۱۳۸۳).

احمدی استدلال می‌کند رابطه هویت قومی و هویت ملی نباید هژمونیک و یک‌طرفه باشد. این دو سطح هویتی، تعاملی و به گونه‌ای دو سویه تکمیل‌کننده و مقوم یکدیگر هستند. لذا جمع هویت فردی و اجتماعی در محیطی ملی یعنی چارچوب سرزمینی دولت مدرن، هویت ملی است. پس گروه‌های قومی که دولت تشکیل نداده‌اند، ملت نیستند و هویت ملی کشوری را که در آن زندگی می‌کنند، دارند (۱۳۸۳ ب). در همین جهت وی در مطالعه تطبیقی اقوام سه عامل دولت، نخبگان و نیروهای بین‌المللی را در تحول هویت‌های جمعی موردتوجه قرار می‌دهد و اطلاق لفظ قوم به گروه‌بندی‌های مذهبی و زبانی را نادرست می‌داند (همان). به نظر وی این گروه‌ها تا اوایل قرن بیستم بر پایه بافت قبیله‌ای (ایل، طایفه) سازمان می‌یافتند و از بخش‌های مسلم و جدایی‌ناپذیر ایران بوده‌اند. در این دیدگاه قبایل بیشتر موجودیت‌های اجتماعی، سیاسی هستند تا جوامع بیولوژیک و خویشاوندی (احمدی، ۱۳۷۸). وجود اقوام به شکل امروزی

حاصل تحولات بین‌المللی و تحریک نخبگان قومی است. احمدی عناصر هویت ایرانی را اول اسطوره‌ها و تاریخ مشترک، دوم دولت و هویت سیاسی واحد، سوم جغرافیا مشترک و چهارم میراث فرهنگی و ادبی برمی‌شمارد.

دین نیز یکی از مؤلفه‌های هویت ملی است که مورد توجه متفکران قرار گرفته است. از نظر زیباکلام اسلام کمک چندانی به یکدست کردن ملت ایران نکرده است و فاصله بین سنی و شیعه از فاصله شیعه و ارمنی خیلی بیشتر است. به نظر وی آنچه ایرانی بودن را توصیف می‌کند مثل یک موزاییک عناصر و اجزای مختلف دارد. او زبان، فرهنگ، مذهب و پرچم سه رنگ ایران و محدوده جغرافیایی ایران را عناصر سازنده وفاق ملی می‌داند، اما ممکن است هر فرد بر یکی از این عناصر بیش از مابقی تأکید بگذارد (۱۳۷۸). توجه به دو عنصر اسلامی و ایرانی در تعریف هویت ملی مورد تأکید فراوانی است و نفی هر یک به تضعیف دیگری و رشد واگرایی منجر می‌شود (احمدی، ۱۳۸۳ الف؛ بشیریه، ۱۳۸۳). برخی نیز مذهب را عاملی مؤثر در همگرایی ملی در ایران ارزیابی نمی‌کنند (رومینا، ۱۳۸۴).

عده‌ای از متفکران نیز سه مؤلفه هویت ملی ایرانی را اسلام، ایران و تجدد غربی می‌دانند که یک تعریف جامع باید این سه مؤلفه را با هم آشتی دهد. در این میان سروش (۱۳۷۷) و شایگان (۱۳۸۱) به آشتی میان اسلام، ایران و غرب اعتقاد دارند و هر سه را توأمان از عناصر اصلی هویت ملی ایران می‌دانند. تاجیک (۱۳۷۹) این سه مؤلفه را با هم حاضر می‌داند ولی رابطه آنها را بحرانی و ناسازگار ارزیابی می‌کند.

برخی پیشتر رفته و با وضعیت فعلی کشور ایران را دچار چالش هویتی جدی می‌دانند و از این رو هویت ایرانی را دارای یک چشم‌انداز تیره ارزیابی کرده و اسلام و ایرانیت را در برابر فرایندهای جهانی‌شدن ضعیف و شکننده می‌دانند (افتخاری، ۱۳۸۳؛ گل محمدی، ۱۳۸۴).

• چارچوب مفهومی

با مرور مفاهیم و دستگاه‌های نظری در باره قومیت می‌توان عنصر فرهنگ را در مرکز تعاریف و تلقی‌ها از قومیت تشخیص داد. مقولاتی نظیر خاطره مشترک، باور مشترک، مذهب، امر نمادین، گفتمان هویتی قوم را امری ذهنی و متکی بر نمادهای جمعی معرفی می‌کنند. با این اوصاف می‌توان ادعا کرد قومیت تنها در منظومه گفتمانی معنا می‌یابد و وجود دارد، خارج از آن هیچ اساس عینی مانند نژاد یا مختصات ژنتیکی برای قومیت قابل اقامه نیست. بر این مبنا این نوشته

تلاش می‌کند مناسبات گفتمانی قوم‌گرایی در ایران و عناصر آن را کشف و استخراج نماید. در هر تحقیقی مبتنی بر تحلیل گفتمان باید سخن از اختراع باشد نه بازنمایی واقعیت. تحلیل گفتمان بازخوانی متن بر اساس مفصل‌بندی نشانه‌ها برای فهم ساختار تأسیس یک منظومه گفتمانی است که به واقعیت معنا می‌دهد.

بر اساس چارچوب مفهومی لاکلائو و موفه، قوم‌گرایان در ایران خود را در نسبت با یک «دیگری» تعریف می‌کنند و در واقع مبارزه‌ای گفتمانی بر سر تعریف خود و مرزبندی با غیر را سامان می‌دهند. استفاده از عناصر مرکزی متفاوتی از جمله مذهب، زبان، سیاست و فرهنگ همه در خدمت افاده و تأیید معنای یک گروه به عنوان یک قومیت و بلکه ملیت مستقل است. مبنای رجوع به متن در این نوشته استخراج همین نقاط پیوند، عناصر و نشانه‌های قوم‌گرایان و کشف صورت‌بندی گفتمانی آن‌هاست.

روش‌شناسی

تحلیل گفتمان با اسلوب لاکلائو و موفه مستلزم استخراج منظومه گفتمانی است که گزاره‌ها معنای خود را از آن اخذ می‌کنند. این منظومه بر پایه یک نشانه مرکزی شکل می‌گیرد که نقاط پیوند^۱ هر گفتمان محسوب می‌شوند. نقاط پیوند سایر نشانه‌ها را به مدار جاذبه خود کشانده و معنای آن‌ها را تثبیت می‌کنند. این فرایند از رهگذر مفصل‌بندی^۲ انجام می‌شود. برای لاکلائو و موفه، امر گفتمانی تنها مقوله‌ای زبانی و فکری نیست بلکه عملی مفصل‌بندانه^۳ است که روابط اجتماعی را ساخت و سامان می‌دهد (Laclau & Mouffe, 2001: 96). جایگاه‌های متفاوت [نشانه‌ها]، تا جایی که درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده‌اند، گشتاور^۴ می‌نامیم. در مقابل عنصر^۵ را تفاوت‌هایی می‌دانیم که به لحاظ گفتمانی مفصل‌بندی نشده‌اند (Ibid, 105). عناصر نشانه‌هایی هستند که معنای آن‌ها تثبیت نشده است و چند معنا را در خود دارند اما به محض ورود به گفتمان، معنای تثبیت‌شده موقتی کسب می‌کنند. همه نشانه‌ها در یک گفتمان، گشتاور هستند.

1 nodal points

2 articulation

3 Articulatory practice

4 Moment: که به گشتاور ترجمه شده در فیزیک به معنای عامل مؤثر در چرخش یک جسم به دور یک محور است. این تلقی و لذا این ترجمه به مقصود لاکلائو و موفه در تحلیل گفتمان نزدیک‌تر است.

5 element

این نشانه‌ها همان گره‌های تور ماهی‌گیری هستند که معنای آن‌ها از رهگذر تفاوتهایشان با همدیگر تثبیت می‌شود؛ چیزی که موقعیت‌های تمایز یافته^۱ نامیده می‌شود.

ترکیب این مؤلفه‌ها یک صورت‌بندی گفتمانی^۲ را شکل می‌دهد که هر عنصری در میدان جذب یک کلیت جا گرفته است. از این منظر در تحلیل اجتماعی هیچ امری را بدون ارجاع به گفتمان نمی‌توان درک کرد زیرا ابژه‌ها تنها از طریق گفتمان در دسترس ما قرار می‌گیرند. در این تصویر نشانه‌ها به خودی خود معنایی افاده نمی‌کنند مگر اینکه در نسبت با سایر نشانه‌ها مورد تحلیل قرار گیرند. گفتمان‌ها بر سر تثبیت معنای یک عنصر و تبدیل آن به گشتاور در حال ستیز هستند.

بر این اساس برای معرفی گفتمان‌ها در این نوشته ابتدا نشانه‌های مفصل‌بندی‌شده و سپس نقاط پیوند هر گفتمان به شکل نمودار ارائه خواهد شد. همچنین گزاره‌هایی که نشانه‌های مفصل‌بندی‌شده را در خود جای داده‌اند استخراج و معرفی خواهند شد.

یافته‌ها

داده‌های مورد تحلیل این نوشته از میان بیش از ۱۰۰ عنوان نشریه در ۴۵ دانشگاه کشور استخراج شده است. از این تعداد ۱۷ مجله با محتوای آشکارا سیاسی و قومی مورد تحلیل قرار گرفته است. از این میان ۸ مجله دانشجویان کُرد و ۹ عنوان دانشجویان ترک را شامل می‌شود. در مجموعه ۱۸ مطلب این نشریات مورد تحلیل گفتمان قرار گرفته است. فراوانی نشریات دانشجویی قومی در هر دانشگاه، شهرهای حساس به لحاظ فعالیت‌های قومی و قومیت‌های مورد بررسی از دلایل انتخاب این نشریه‌ها بوده‌است.

علت انتخاب نشریات دانشجویی قوم‌گرای ترک و کرد فراوانی و حضور پررنگ آن‌ها در مباحث مربوط به قومیت است. از سوی دیگر به دلیل تنوع مطالب، امکان استخراج مختصات گفتمانی این دو رویکرد و لذا تشخیص گزاره‌های مرکزی و نقاط پیوند بیشتر است. این مسأله به مطالعه تکرارپذیری برخی مضامین و محتواها و اهمیت گفتمانی آن‌ها کمک زیادی می‌کند. بر همین اساس در کنار بررسی گفتمان حاکم بر هر گروه از نشریات، می‌توان گفتمان قوم‌گرایان در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دست داد. برای این منظور ابتدا دال‌های مرکزی هر گفتمان در موضوعات مورد بررسی را در قالب جدول ارائه کرده و سپس نقاط پیوند گفتمان هر گفتمان را معرفی می‌کنیم.

1 differential positions

2 discursive Formation

• تحلیل گفتمان نشریات ترکی

مطالب نشریات قوم‌گرای ترک با مفصل‌بندی نشانه‌های زبان و زیست‌جهان و اهمیت آن در برساخت هویت مستقل قومی، تلاش می‌کنند با توجیه تکثرگرایی فرهنگی به فدرالیسم و در نهایت به استقلال سیاسی برسند. برای این هدف گزاره‌های مختلف را کنار هم می‌گذارند که در جدول زیر به آن‌ها اشاره شده است.

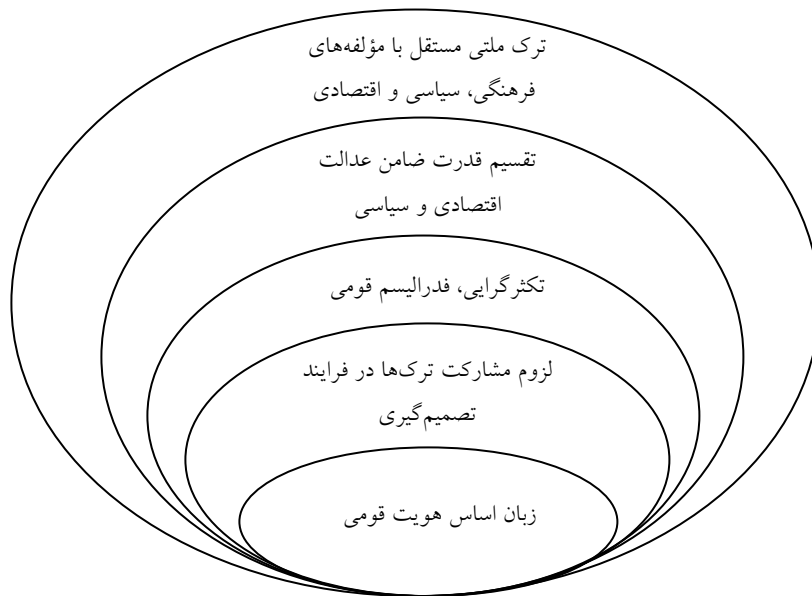
جدول ۱: دال‌های مرکزی و فرعی نشریات قوم‌گرای ترک

۱. دال مرکزی: تکثرگرایی، خودمختاری ترک‌ها و	۲. دال مرکزی: لزوم مشارکت ترک‌ها در فرایند
فدرالیسم	تصمیم‌گیری
- جهانی‌شدن فرصتی برای بروز هویت‌های سرکوب‌شده - ترک در ایران هویتی سرکوب شده - شووینیسم فارس - تمرکز قدرت و نفی احزاب قومی - استعمار اقوام از سوی قوم فارس - تحولات بین‌المللی به نفع اقوام ایرانی - تثبیت و توجیه فدرالیسم	- عدم بازنمایی تکثر قومی از سوی احزاب - احزاب در ایران فرمایشی هستند - آذربایجان نیازمند حزب خاص خود است - ترک‌ها نقشی در تصمیم‌سازی‌ها ندارند
۳. دال مرکزی: احیای جنبش ملی آذربایجان	۴. دال مرکزی: زبان اساس هویت قومی
- استمرار جنبش ملی آذربایجان از گذشته تا حال - بی‌تفاوتی حکومت به خواست ترک‌ها - قدرت جنبش آذربایجان حکومت را غافلگیر کرد - جمهوری اسلامی نظامی ضد مردمی - جنبش ملی آذربایجان تنها را نجات ترک‌ها	- هویت قومی مؤلفه نیرومند هویت - نفی هویت، نفی شخصیت انسان - نفی هویت ترک‌ها ترور شخصیت آن‌هاست - جمهوری اسلامی از این جهت تروریست است - زبان مهمترین عنصر هویت و نفی آن نفی هویت - ترک در ایران غریبه است - فارس افغانستانی ایرانی‌تر است تا ترک ایرانی
۵. دال مرکزی: احیای ظرفیت‌های مبارزه و مقاومت	۶. دال مرکزی: ترک در مقام ملتی مستقل
- حرکت ملی آذربایجان جستجوی این هدف - هویت متمایز ترک؛ اقتضای دولت و حکومت متمایز - استقلال سیاسی منجر به استقلال اقتصادی است - ضرورت احیای انجمن‌های ایالتی و ولایتی - قدرت در ایران متمرکز است	- اعتراض ترک‌ها به تبعیض در لوای غائله روزنامه ایران - برخورد نظامی با این اعتراضات از سوی حکومت - دانشجویان و نخبگان نیروهای جدید قومی - فاشیسم فارس و یکسان‌سازی و نظامی‌گری - اتحاد ترک‌ها و زنده‌کردن جو جنبش ملی آذربایجان

۸. دال مرکزی: اتحاد آذربایجان شمالی و جنوبی	۷. دال مرکزی: نادیده‌گرفتن اقوام عامل بی‌ثباتی سیاسی
- فرایند استقلال مراحلی دارد که برای هر کشوری مشترک است - استقلال آذربایجان شمالی ابتدا از مطالبات فرهنگی آغاز شد - آذربایجان ایران مؤلفه‌های یک کشور مستقل را داراست - مانع تشکیل آذربایجان ایران حکومت فارس است - اتحاد دو آذربایجان گزینه مورد حمایت آذربایجان شمالی است - ایران نه تنها در داخل که در عرصه بین‌المللی مانع پیشرفت ترک‌هاست	- اقوام و مطالبات آنها محرک اصلی انقلاب ایران - اقوام و نارضایتی آنها عامل انقلاب - عقب ماندگی ملل متکثر ایران نتیجه سیاست‌های دولت مرکزی - نفی هویت این ملل مهمترین مسأله آنها - سیاست قومی دیکتاتورمآب عامل فروپاشی حکومت‌ها - انقلاب ایران حرکتی معطوف به نفی تبعیض و تحقیر اقوام
۱۰. دال مرکزی: جهانی کردن مسائل قومی ایران	۹. دال مرکزی: تقسیم قدرت ضامن عدالت اقتصادی و سیاسی
- ستم فرهنگی و نفی هویت در ایران در قالب یکسان‌سازی فرهنگی - نقض حقوق بشر در ایران - حقوق بشر مسأله‌ای بین‌المللی - لزوم دخالت سازمان‌های جهانی مدافع حقوق بشر - مسأله اقوام ایرانی معضله‌ای بین‌المللی - سازمان ملل نهاد متولی چنین مسأله‌ای در جهان	- فرهنگ متفاوت عامل ستم به ترک‌ها - یکسان‌سازی فرهنگی فاشیسم و شوینیسم فارس - یکسان‌سازی فرهنگی نوعی نسل‌کشی نرم - سیاست‌های جمهوری اسلامی عامل عقب‌ماندگی ترک‌ها - ترک‌شهروند درجه دوم است پس باید سهم کمتری ببرد - توجه به اقوام در اوان انتخابات فریب و ژست سیاسی - تقسیم قدرت متمرکز به هر وسیله

مطالب نشریات قوم‌گرایانه ترکی را می‌توان بر اساس دال مرکزی آنها در راستای توجیه استقلال فرهنگی، زبانی و هویتی ترک‌ها از فارس‌ها دانست. در این مسیر ابتدا دیگری ترک که فارس است معرفی شده و زنجیره استدلالی متکی بر آن به ادعاهای استقلال سیاسی و اقتصادی نیز راه می‌برد. ابزار تحقق این هدف از سهم‌خواهی بیشتر در تصمیم‌گیری، احیای جنبش آذربایجان و فدرالیسم و در نهایت استقلال از ایران است. در این نشریات و مطالب بنیاد تمایز

ترک از سایر اقوام زبان است همچنان‌که «دیگری» ترک نیز یک قومیت زبانی-فارس- است. از این منظر زبان به مثابه اساس هویت قومی و عامل تأسیس و تمایز یک قوم محسوب می‌شود. زیرا زیست‌جهان و واقعیات زندگی که هویت افراد درون آن شکل می‌گیرد بر اساس زبان تعریف می‌شود. سایر نشانه‌ها و عناصر نیز بر مبنای تفاوت فرهنگی استوار می‌شوند.



شکل ۲: نقطه پیوند و نشانه‌های مفصل‌بندی‌شده در نشریات قوم‌گرای ترک

در صورت‌بندی گفتمانی نشریات قوم‌گرای ترک می‌توان مرکزستیزی قومی را تشخیص داد. در این رابطه ابتدا تمایز قوم ترک با «دیگری» فارس بر مبنای زبان و زیست‌جهان تعریف شده و پس از آن ملزومات سیاسی ستیز^۱ با مرکز توجیه می‌شود. این تلقی سیاست را گره‌گاه منازعه^۲ را بر سیاست هویت مبتنی می‌سازد. در این فرایند نشانه‌هایی که مانع تثبیت گفتمان هستندن طرد می‌شوند از این رو پیوندهای فرهنگی از جمله همگرایی مذهبی میان ترک و فارس از فرایند مفصل‌بندی حذف می‌شود. بر اساس شکل ۲ می‌توان نقطه پیوند نشریات دانشجویی قوم‌گرای ترک را فرهنگ و مهمترین عنصر آن یعنی زبان دانست.

1. Antagonism
2. Antagonism

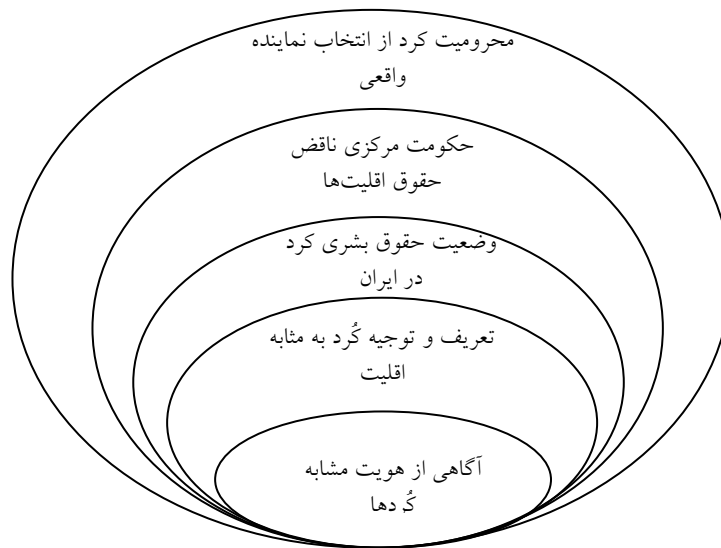
• تحلیل گفتمان نشریات کُردی

نشریات کُردی به دنبال اقلیت‌سازی از کردها هستند. با وجود تنوعات میان کُردها به لحاظ مذهبی و زبانی، گفتمان قوم‌گرایانه در این نشریات حکومت مرکزی را در مقابل شهروندان کُرد قرار می‌دهند و نشانه‌های مورد توجه خود را بر این دوگانه استوار می‌کنند.

جدول ۲: دال‌های مرکزی و فرعی نشریات قوم‌گرای کُرد

۱. ناسیونالیسم کرد	۲. تشکیل دولت و نظام سیاسی کردها
- تشکیل دولت- ملت کرد	- کرد قومیت نیست بلکه ملت است
- وجود عناصر ملت‌سازی در جا معه کردها	- فقدان دولت کرد مانع تشکیل ملت کرد است
- ملت‌سازی تنها راه احقاق حقوق کردها	- تشکیل دولت خواسته اصلی کردها
۳. تعریف کردها به مثابه اقلیت و توجیه حقوق آنها	۴. وضعیت نامناسب کردها در ایران به لحاظ حقوق بشر
- ویژگی و تعاریف اقلیت	- بازداشت و ایدآ و اذیت مردم کرد در ایران
- عدالت و حقوق اقلیت‌ها	- دستگیری و تعقیب اعضای سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان
- کردها در ایران اقلیت هستند باید از حقوق اقلیت‌ها برخوردار باشند	- کنترل و نظارت سخت مردم کرد حتی در روستاها
- حقوق اقلیت کرد در سه بعد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مطرح است	- وضعیت سخت معیشتی کردها
- افزایش آسیب‌های اجتماعی و روانی در کردستان	- افزایش آسیب‌های اجتماعی و روانی در کردستان
۵. ایران ناقض حقوق اقلیت‌ها	۶. کرد در ایران شهروند درجه دوم و بیگانه
- کردها در ایران از حقوق اقلیت‌ها محرومند	- مسئولین جمهوری اسلامی کردها را به چشم کافر حربی نگاه می‌کنند
- جمهوری اسلامی در باره کردها به قوانین بین‌المللی هم پایبند نیست	- نزد هر دو جناح اصلاح طلب و محافظه کار، کردها بیگانه و درجه دوم
- قلمرو ایران با سرکوب اقلیت‌ها شکل گرفته است	- مواضع هر دو جناح در انتخابات نسبت به کردها
- سرکوب فرهنگی از سرکوب فیزیکی بدتر است	- نمایشی و عوام‌فریبانه
- حقوق کردها باید در مجامع بین‌المللی مطرح و پیگیری شود	- قانون اساسی ایران ظرفیت تقسیم قدرت با کردها را ندارد
- نتیجه انتخابات برای کردها علی‌السویه است	
۷. محرومیت کردها از حق انتخاب نمایندگان واقعی خود	۸. آگاهی کردها در جهت اتحاد
- رد صلاحیت نامزدهای مستقل کرد در انتخابات شوراها	- کردستان کشوری تجزیه شده است
- کنترل نظام مند کردستان حتی در انتخابات محلی شوراها	- مردم کردستان از سوی کشورهای بیگانه استعمار شده‌اند
- انتخابات فرمایشی و عوام‌فریبانه در کردستان	- کردها بلحاظ فرهنگی تخریب و تحمیق شده‌اند
- نامزدهای واقعی مردم کردستان در انتخابات رد صلاحیت می‌شوند	- آگاهی بخشی تنها راه زایش دوباره کرد است

نشریات دانشجویی قوم‌گرای کُرد درصدد تعریف کرد به مثابه یک اقلیت در ایران هستند تا بتوانند حقوق اقلیت‌ها را برای این قوم افاده و تأیید کنند. دیگری کردها نه یک قوم خاص که حکومت مرکزی است. اما در این مورد نیز تعریف و تثبیت هویت به عنوان گروهی اقلیت در اولویت مفصل‌بندی نشانه‌هاست. مرزبندی و تعریف تمایز کردها از رهگذر غیریت‌سازی با سایر اقوام نیست بلکه مبتنی بر تفاوت مذهبی-قومی با حکومت مرکزی است. کردها در ایران به لحاظ زبانی و مذهبی تنوع بسیاری دارند لذا تعریف آن‌ها بر اساس مذهب یا زبان با دشواری‌هایی مواجه است از این رو در مطالب مورد تحلیل بدون اشاره به این تنوعات موقعیت اقلیتی آن‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد.



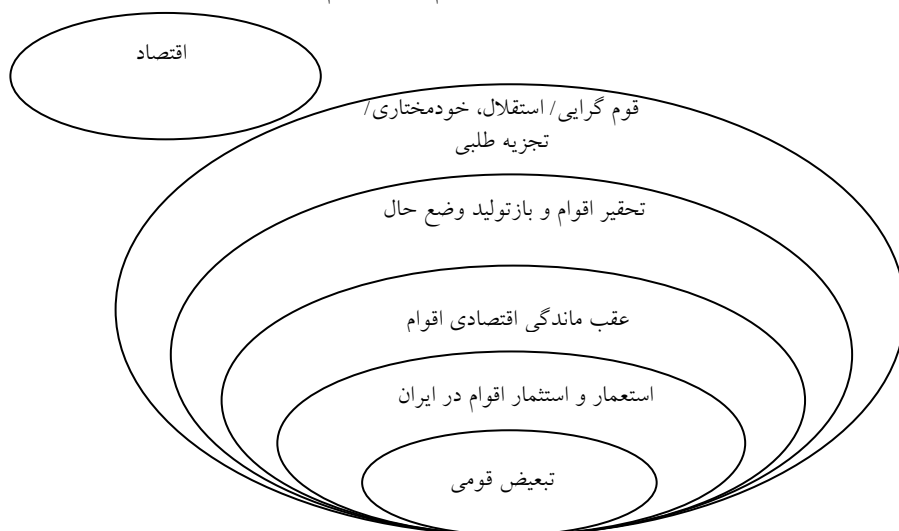
شکل ۳: نقطه پیوند و نشانه‌های مفصل‌بندی شده گفتمان نشریات قوم‌گرای کُرد

چنانکه از شکل ۳ که برگرفته از جدول تحلیل گفتمان کردهاست می‌توان نتیجه گرفت مفصل‌بندی نشانه‌ها بر اساس مرکزستیزی است که نقطه پیوند آن آگاه کردن کُرد از هویت متفاوت خود است. می‌توان نشانه‌های اقلیت‌سازی از کُرد را در مطالب مورد تحلیل تشخیص داد.

• منظومه گفتمانی قوم‌گرایی در این نشریات

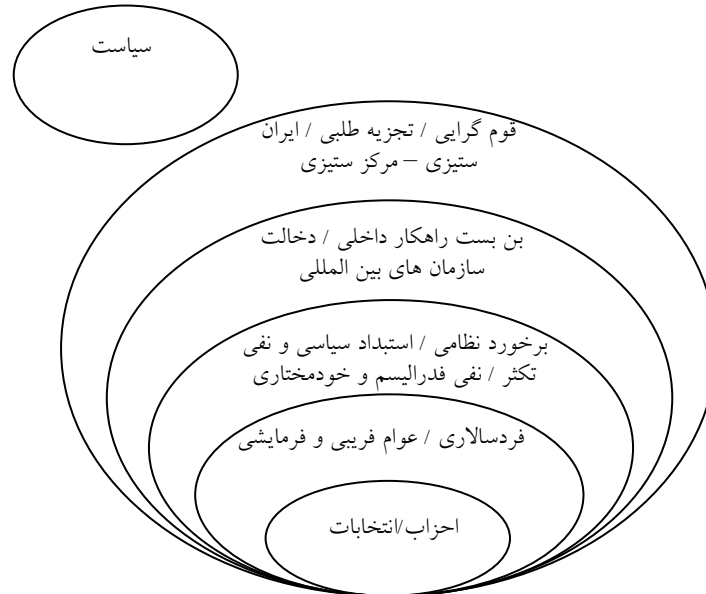
با وجود تفاوت در نشانه‌های مفصل‌بندی‌شده برای هر قوم، شباهت‌هایی در مفصل‌بندی نشانه‌ها در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در آن‌ها قابل استخراج است. در زیر نقاط پیوند و دال‌های مفصل‌بندی‌شده برای توجیه قوم‌گرایی در این دو دسته نشریات معرفی شده است.

○ **اقتصاد:** گفتمان متبوع این نشریات برای توجیه قوم‌گرایی خود در زمینه اقتصادی بر تلائم وضعیت قومی و سطح توسعه اقتصادی تأکید می‌کند و رابطه قومی در ایران را بر استثمار و استعمار مبتنی می‌دانند. این نکته از اهمیت بسیاری در تحلیل گفتمان قوم‌گرایان برخوردار است زیرا تبعیض قومی را توجیه می‌کند و این مقوله قابلیت پذیرش بیشتری در میان مخاطبان را داراست. این نکته با توجه به عقب‌ماندگی تاریخی مناطق مرزی که محل تمرکز اقوام نیز هست می‌تواند به تثبیت نشانه‌ای این ادعا منجر شود. در تحلیل ابعاد گفتمانی قوم‌گرایی باید تصریح کرد، رفع تبعیض قومی در وجه اقتصادی بر استقلال سیاسی در این گفتمان متکی است. توجیه استقلال سیاسی در صورت‌بندی سیاسی گفتمان قوم‌گرایی انجام می‌گیرد.



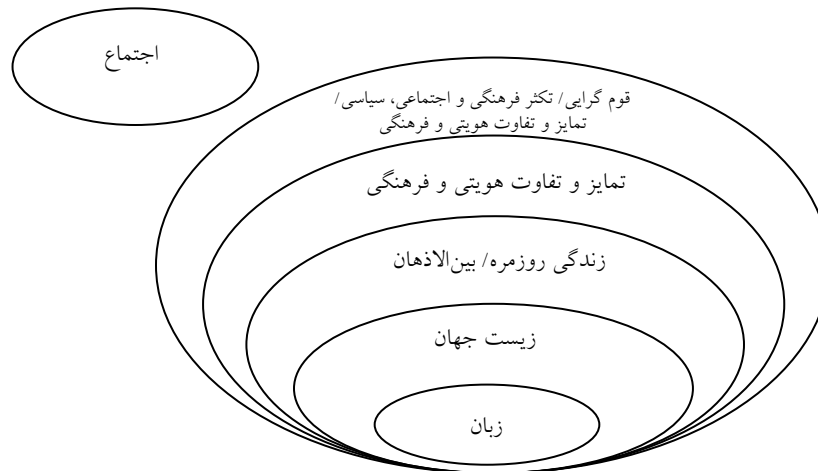
شکل ۴: گزاره‌های قوم‌گرایانه اقتصادی

○ **سیاست:** قوم‌گرایی در وجه سیاسی بر امتناع مشارکت سیاسی اقوام در ایران انگشت تأکید می‌گذارد. در این وجه قوم‌گرایان سیاست‌ستیزی را به عنوان نقطه پیوند گفتمان خود با نشانه‌های توجیه‌کننده آن مفصل‌بندی می‌کنند. سیاست‌ستیزی و به بن‌بست کشاندن راهکار سیاسی در مواجهه با مسئله اقوام در خدمت نشانه‌های فدرالیسم، خودمختاری و استقلال سیاسی و اقتصادی در می‌آید. همچنین توجیه استقلال سیاسی بر استقلال جامعه، زیست‌جهان و اجتماع قومی استوار می‌شود.



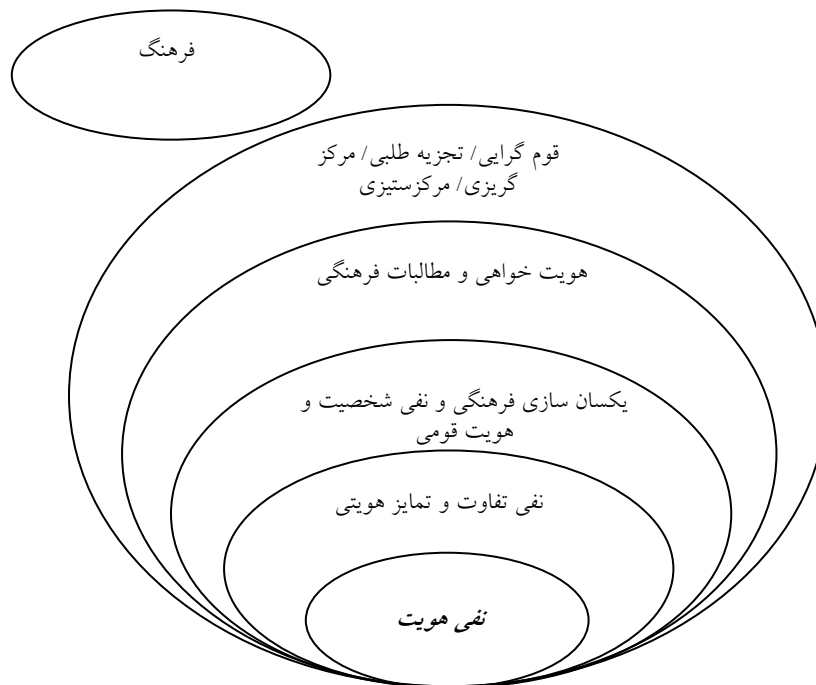
شکل ۵: گزاره‌های قوم‌گرایانه سیاسی

○ **اجتماع:** جامعه و زیست‌جهان یکی دیگر از مجموعه‌نشانه‌های مفصل‌بندی‌شده برای توضیح و توجیه قوم‌گرایی است. در این فقره ابتدا زبان بنیان زندگی اجتماعی تعبیر شده که تفاوت جهان افراد را تبیین می‌کند و به مثابه مبنای تفاوت در تصمیم‌گیری و سیاست معرفی می‌شود. از این جهت استقلال سیاسی بر توجیه تفاوت اجتماعی استوار می‌گردد.



شکل ۶: گزاره‌های قوم‌گرایانه اجتماعی

○ **فرهنگ:** در توجه به عناصر هویت قومی، فرهنگ در مرکز توجه و به مثابه چارچوب قوم‌گرایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از یک سو فرهنگ قومی در خطر همسان‌سازی و نادیده‌انگاری معرفی شده و قوم‌گرایی به مطالبه هویتی بدل می‌گردد. از این رو فعالیت‌های ستیزه‌جویانه سیاسی، استقلال اقتصادی و تفاوت اجتماعی همه بر همین تمایز هویتی استوار می‌شود.



شکل ۷: گزاره‌های قوم‌گرایانه فرهنگی

نتیجه‌گیری

در سیاست جدید، فرهنگ وجهه غالب فعالیت‌ها و مباحث و نظریات آکادمیک است تا جایی که سیاست فرهنگی جای مفهوم کلاسیک سیاست را گرفته است. در سیاست فرهنگی به جای مبارزه طبقاتی بر منازعه گفتمانی تأکید می‌رود که در آن رقابت بر سر تعریف هویت گروه‌ها و کسب قدرت برای مصادره معناست. در این تلقی واحد تحلیل نه طبقه بلکه گروه‌های هویتی هستند لذا جنبش‌های هویتی و مقاومتی جای نبرد طبقاتی را گرفته است.

فعالیت‌های قومی در ایران نیز از همین منظر قابل طرح و تحلیل هستند.^۱ این نوشته نشانه‌های گفتمان‌های مطرح را با معرفی مفصل‌بندی و منظومه گفتمانی هریک را استخراج کرده است. از آن‌جا که تجلی بیرونی فعالیت‌های دانشجویان گُرد و تُرک بیشتر از سایر اقوام بوده است^۲ تمرکز تحقیق بر تحلیل مطالب آن‌ها متمرکز شده است؛ هرچند دیگر اقوام مانند ترکمن، بلوچ و عرب نیز مطالبی در نشریات دانشجویی مستقل یا وابسته به این دو قوم منتشر کرده‌اند. گفتمان‌های مستخرج از مطالب مورد تحلیل نشان می‌دهد در مورد قوم تُرک مرکز‌گریزی نقطه پیوند گفتمان‌های توجیه‌کننده قوم‌گرایان در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. در مورد قوم گُرد می‌توان گفت ستیز یا رقابت و فشار بر مرکز برای توجیه تفاوت قوم گُرد، نقطه پیوند گفتمان‌های قوم‌گرایانه است. با وجود تفاوت در گفتمان قوم‌گرایان، برخی رویه‌های مفصل‌بندی نشانه‌ها مشترک است. مهمترین اشتراک قوم‌گرایان تأکید بر هویت و عناصر فرهنگی به عنوان عامل تمایز و تعریف دیگری یک قوم است. با توجیه این تفاوت، سایر تمایزات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر آن بنا می‌شود.

گفتمان قوم‌گرایی هویت قومی را در تقابل یا هویت ملی تعریف می‌کند و نشانه‌های گفتمان ملی‌گرایی را در خدمت قوم‌گرایی مفصل‌بندی می‌کنند. چنانکه در مباحث نظری نوشته آمد مذهب، زبان یا قومیت متفاوت در طول تاریخ فرهنگی ایران تعارضی با هویت ایرانی نداشته‌اند با این وصف مفصل‌بندی این نشانه‌ها با تعلیق سایر دلالت‌های یک نشانه، آن‌را در سازگاری با سایر نشانه‌ها برای افاده معنای مورد نظر تثبیت می‌کند.

آنچه باعث تثبیت هرچند موقت معنای این نشانه‌ها در خدمت قوم‌گرایی می‌شود، نقطه پیوند این گفتمان‌هاست که هویت را در مرکز فرایند مفصل‌بندی نشانه‌ها می‌نشانند. سیاست جدید سیاست هویت و منازعه و رقابت بر سر آن است. این رقابت بر سر معناست و قدرت در نسبت با توفیق در تثبیت معنا تعریف می‌شود. به همین دلیل قوم‌گرایی تنازعی در عرصه فرهنگ است نه تاریخ یا سیاست.

۱ این موضع متبوع این نوشته است اگرچه برخی رویکردها منشأ قوم‌گرایی در ایران را تحریک نیروهای خارجی می‌دانند و شواهد تاریخی ادعای آن‌ها را تأیید می‌کند.

۲ اینکه چرا فعالیت‌های قومی این دو گروه بیشتر است می‌تواند موضوع یک تحقیق مستقل باشد.

منابع فارسی

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب. ترجمه فیروزمند. تهران: نشر مرکز
- احمدی، حمید (۱۳۷۸). قومیت و قوم‌گرایی در ایران. تهران: نشر نی
- احمدی، حمید (۱۳۸۳الف). «دین و ملیت در ایران». در ایران، هویت، ملیت، قومیت. احمدی، حمید (ویراستار). تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
- احمدی، حمید (۱۳۸۳ب). «هویت و قومیت در ایران»، در هویت در ایران. علیخانی، علی‌اکبر (ویراستار). تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی
- اشرف، احمد (۱۳۸۳). «بحران هویت ملی و قومی در ایران» در ایران، هویت، ملیت، قومیت. احمدی، حمید (ویراستار). تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۳). «کالبد شکافی هویت». در هویت در ایران. علیخانی، علی‌اکبر (ویراستار). تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳). «ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی در ایران»، در ایران، هویت، ملیت، قومیت. احمدی، حمید (ویراستار). تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). «فرهنگ و هویت ایرانی». فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴
- چلبی، مسعود (۱۳۷۸). «میزگرد همبستگی ملی»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره یک
- دلاوری، ابوالفضل (۱۳۸۳). «شهر، هویت و سیاست در ایران». در ایران، هویت، ملیت، قومیت. احمدی، حمید (ویراستار). تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
- راوندی، مرتضی (۱۳۵۷). تاریخ اجتماعی ایران. تهران: انتشارات امیرکبیر
- رومینا، ابراهیم (۱۳۸۴). «پارادایمی نو در هویت ملی با تأکید بر پراکنش فضایی اقلیت‌ها در ایران». در مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت‌های رشد و توسعه در ایران. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی
- زیبا کلام، صادق (۱۳۷۸). «میزگرد همبستگی ملی». فصلنامه مطالعات ملی. شماره یک
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۷). رازدانی، روشنفکری، دینداری. تهران: صراط
- شایگان، داریوش (۱۳۸۱). افسون‌زدگی جدید. تهران: نشر مرکز
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۰). ناسیونالیسم و هویت ایرانی. تهران: انتشارات باز
- فوران، جان (۱۳۷۷). مقاومت شکننده. ترجمه احمد تدین. تهران: رسا
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۴). «گفتمانهای هویت ساز در عصر جهانی‌شدن». در هویت ملی و جهانی شدن. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی

- معینی‌علمداری، جهانگیر (۱۳۸۳). «هویت تاریخ و روایت در ایران». در ایران، هویت، ملیت، قومیت. احمدی، حمید (ویراستار). تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
- ویتگنشتاین، لودویگ (۱۳۸۰). پژوهش‌های فلسفی. ترجمه فریدون فاطمی. تهران: مرکز

منابع انگلیسی

- Fenton, Steve (2007). **Ethnicity**. Polity press. Cambridge
- Foucault, Michel (2002). **Archeology of Knowledge**. Routledge: London
- Jenkins, Richard (2007). **Ethnicity**. The Blackwell Encyclopedia of sociology. Ed George Ritzer. Vol 3. Blackwell Pub. London
- Heidegger, Martin (1982). **On the Way to Language**. Trans by Peter D. Hertz. Perennial Library. New York
- Laclau, E & mouffe, Ch. (2001). **Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics**. 2ed. Verso. London
- Rudolph, Joseph (2006). **Politics and Ethnicity: A Comparative Study**. Palgrave Macmillan US. New York
- Weber, Max (1978). **Economy and Society; An Outline of Interpretive Sociology**. Ed Guenther Roth and Ckus Wittich. University of California Press. Berkeley